

قهرمان پیش بینی ناپذیر

چرچیل



پاول ادیسون

ترجمه محسن عسکری جهقی

فهرست

- ۷..... چرچیل
- ۱۳..... ۱. جوان‌ترین مرد اروپا، ۱۸۷۴-۱۹۰۱
- ۳۵..... ۲. پیمان‌شکن، ۱۹۰۱-۱۹۱۱
- ۶۷..... ۳. ناپلئون کوچک، ۱۹۱۱-۱۹۱۵
- ۹۷..... ۴. مکتب چرچیل، ۱۹۱۵-۱۹۲۴
- ۱۳۱..... ۵. قمار آبرو، برد و باخت، ۱۹۲۴-۱۹۳۹
- ۱۷۷..... ۶. تولد قهرمان، ۱۹۳۹-۱۹۴۵
- ۲۵۱..... ۷. صعود به عرش، ۱۹۴۵-۱۹۶۵

چرچیل

وینستون چرچیل در جنگ جهانی دوم، دو پیروزی شگرف به دست آورد؛ اول پیروزی بر آلمان نازی بود و دوم پیروزی بر بسیاری از منتقدان سرسختی که برای دهه‌ها افکار و عقاید او را به سخره می‌گرفتند، بر این باور بودند که ادعاهای او غلو شده‌اند و با این ترفند که او و افکارش برای بریتانیا و امپراتوری خطرناکند سرانجام او را از خانه شماره ۱۰ خیابان داونینگ بیرون راندند.

اروپا مه ۱۹۴۵ در جنگ پیروز شد و مردم این پیروزی را در شهرهایشان جشن گرفتند. آن روز چرچیل از بالکن ساختمان وزارت بهداشت، در وایت‌هال، برای انبوه مشتاقانی که برای او غریو شادی سر داده بودند، سخنرانی کرد. چرچیل آن روز در نبرد دیگری پیروز شده بود، نبردی که از ابتدای قرن بیستم علیه او آغاز شده بود: نبرد حیثیت.

مبارزهٔ حماسی و بی‌وقفهٔ او با منتقدان همیشگی‌اش پیوسته در جریان بود و مانند موسیقی متن در پس‌زمینهٔ زندگی‌اش نواخته می‌شد. اما پیروزی چرچیل هیچ‌گاه تکمیل نشد و حتی زمانی که در اوج قدرت به سر می‌برد، هنوز کسانی بودند که علیه او اقدام می‌کردند. سال ۱۹۴۰ و درست یک روز قبل از آن‌که چرچیل به نخست‌وزیری برسد، «سر الکساندر کادوگان»، معاونت دائم وزارت امور خارجهٔ بریتانیا، در خاطراتش نوشت: «گمان نکنم فردی بهتر از نویل چیمبرلین برای نخست‌وزیری بیابند.» پنج سال بعد دوباره در خاطراتش می‌نویسد: «باز دلم برای چیمبرلین پیر پر می‌کشد. او به راستی

می‌دانست چگونه نخست‌وزیری کند.^۱ با این همه صدای منتقدانی که چرچیل برای آن‌ها قهرمانی با پای چوبین یا حتی منتقدانی که چرچیل را نه قهرمان که، غوغاسالار می‌پنداشتند، در هیاهوی محبوبیت «رهبر جنگ جهانی» گم می‌شد و به جای نمی‌رسید. با این حال نوار پیروزی‌های وینستون چرچیل تداوم نداشت و این‌گونه نبود که او همواره در اوج محبوبیت و اقتدار باشد. دهه ۱۹۱۰، به ویژه سال ۱۹۱۸ لوید جورج^۲ محبوب دل‌ها و قهرمان جنگ بود، اما از آن سال به بعد، آفتاب اقبالش افول کرد و هیچ‌گاه نتوانست محبوبیت قبلی را به دست آورد. به طور کلی، مردم و قهرمانان هر عصر، قهرمانان نسل‌های قبل از خود را تخریب می‌کنند و قطعاً تاریخ صحنه چنین فراز و فرودهایی است. اما آیا وینستون چرچیل توانسته است نبرد کتب تاریخی را به نفع خود تمام کند یا خیر؟

زمانی که پژوهش حاضر را شروع کردم چرچیل هنوز زنده بود. موضوع پژوهش تاریخی من بررسی دوران گذار از چیمبرلین به چرچیل بود، اما چیز زیادی از چرچیل نمی‌دانستم، غیر از آن‌که او مردی پرآوازه و رهبر جنگ بوده است. چند ماه بعد، بعد از ظهر سی‌ام ژانویه ۱۹۶۵، میان جمعیت سوگوار و اندوهناکی بودم که در مراسم تشییع جنازه چرچیل تابوت او را، که در پرچم بریتانیا پیچیده شده بود، با احترام از ایستگاه میدان آکسفورد مشایعت می‌کردند. بهت‌زده و حاج‌وواج ایستاده بودم. گویی زمین زیر پای ما می‌لرزید. شنبه هفته بعد در ایستگاه راه‌آهن منتظر قطار بودم. پیرمرد نحیفی با چمدانی زهوار در رفته روی نیمکت نشسته بود و نظرم را به خود جلب کرد. او کلمنت آتلی، معاون چرچیل در زمان جنگ، بود، هم او که بلافاصله پس از چرچیل به نخست‌وزیری رسید. روز تشییع جنازه از افرادی بود که زیر تابوت را گرفته بودند. هیچ‌کس در ایستگاه شلوغ راه‌آهن به او توجه نمی‌کرد. قطار که رسید، او به دشواری می‌خواست سوار قطار بشود و یکی از نگهبان‌ها برای کمک به او آمد و دستش را گرفت. به نگهبان گفتم: «او کلمنت آتلی بود، مگه نه؟» و جواب داد: «فکر کنم خودش بود، شاید.»

1. Cadogan, *The Diaries*, 280, 719, diary entries for 9 May 1940 and 22 Feb. 1945. Addison, Paul (2005-01-13). «Churchill: The Unexpected Hero» (p. 255). Oxford University Press. Kindle Edition.

2. David Lloyd George: دولتمرد انگلیسی از حزب لیبرال بریتانیا، که به مقام نخست‌وزیری رسید. او این مقام را در نیمه دوم جنگ جهانی اول داشت. لوید جورج شش سال، در طول سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۲، نخست‌وزیر بود. همچنین عنوان پدر مجلس را، از ۱۹۲۹ تا آخر عمر، در اختیار داشت. - م.

آتلی در انتخابات سراسری سال ۱۳۲۳ چرچیل را به سختی شکست داد و توانست در دوران پس از جنگ دولت کارگری خود را با ساختار جدیدی، در داخل و خارج مستقر کند. چرچیل در دوران پس از جنگ هم محبوب بود، اما بسیاری او را فرد مناسبی برای نخست‌وزیری و اداره کشور در دوران صلح نمی‌دانستند. کلمنت آتلی حتی راه‌آهن بریتانیا را ملی کرده بود و چرچیل آخرین سفر عمرش را با همین راه‌آهنی که آتلی ملی کرده بود به اتمام رسانید. البته کلمنت آتلی نه شخصیت مرموز و پوشیده‌ای دارد و نه هیچ نشانی از فرهمندی در او دیده می‌شود. از این حیث، چرچیل مقوله دیگری است. شخصیت پر جوش و خروش او، عادات عجیب و غریبش، به همراه نشان دادن علامت «V»^۱ با انگشتانش و آن سیگار بزرگ برگ، که در بیش‌تر مجامع دیده می‌شود، به اندازه راه رفتن منحصر به فرد چارلی چاپلین میان مردم شناخته شده و آشناست.

چرچیل یگانه سیاستمدار بریتانیایی قرن بیستم است که به قهرمان ملی تبدیل شد و عاقبت به‌خیری را تجربه کرد. البته این اتفاقی ساده نبود، چرا که او از دوران جوانی آرزو داشت مانند پدر بزرگش - اولین دوک مارلبورو که قهرمانی آزادیخواه بود، یا مانند پدر آرمانی‌اش رندولف چرچیل - قهرمان نظامی ملی باشد و این آرزو روح و روانش را تسخیر کرده بود. گاهی که بسیار به خود می‌بالید گمان می‌کرد مشیت الهی از او مردی ساخته است تا بر صحنه روزگار نقش قهرمان را بازی کند و سرنوشت مردم به دست اوست. سال ۱۹۰۶ در اولین دیدارش با ویولت آسکوئیت^۲، دختر نخست‌وزیر وقت بریتانیا، به او گفت: «ما آدم‌ها همه به کرم می‌مانیم اما این میان من کرم شبتابم.» آن شب ویولت با شادمانی به اتاق پدرش رفت و به او مژده داد که برای اولین بار در عمرش با یک نابغه روبرو شده است. اما نخست‌وزیر آسکوئیت به دخترش گفت: «خب، گمان می‌کنم وینستون هم با تو هم‌عقیده باشد، اما من زیاد مطمئن نیستم که آدم‌های زیادی را پیدا کنی که با تو و وینستون هم‌عقیده باشند.»

طی سال‌های ۱۹۰۰، که چرچیل برای اولین بار به عضویت مجلس عوام برگزیده شد، تا ۱۹۴۰ که توانست بعد از چیمبرلین به مقام نخست‌وزیری برسد، زندگی سیاسی چرچیل بیش‌تر به بازی ماروپله شباهت دارد و درازترین ماری که او را در این دوران

۱. به نشانه حرف نخست کلمه Victory به معنای پیروزی. - م.

۲. دختر هربرت هنری آسکوئیت که طی سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۶ نخست‌وزیر بریتانیا بود. - م.